



Sociological analysis of the novel Beirut 75 by Ghada al-Samman based on the theory of developmental structuralism

Ebrahim Namdari¹ , Askar Babazadeh Aghdam² & Mustafa Mohammadzadeh³

1 Corresponding author, Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran. Email: enamdari@abru.ac.ir

2 Associate Professor of Arabic Language and Literature in Holy Quran Sciences and Knowledge University, Qom, Iran. Email: Babazadeh@quran.ac.ir

3 Master student of Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: mostafimohammadzadeh@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The sociology of literature, as a sub-branch of sociology, analyzes the social production of literature and its social consequences. This research explores a sociological analysis of Ghada al-Samman's novel "Beirut '75" based on Lucien Goldmann's genetic structuralism theory. The main goal of the research is to explore the social and cultural dimensions embedded in the novel and to analyze the role of social structures in shaping and reflecting the social issues of that time. Sociological analysis focuses on examining social realities, describing, comparing, and analyzing human societies as well as the behavior and actions of people within society according to their time, place, and causes. The findings show that this novel, by focusing on topics such as poverty, class inequalities, ethnic issues, fame, and lust, has clearly represented the critical situation and challenges of Beirut society in the 1970s; the social structures within the work, combined with the author's genius, have provided a comprehensive and multi-layered picture of the social, cultural, and political crises of that period, emphasizing the importance of the sociological study of literature in a deeper understanding of social transformations.
Article history: Received 2025 May 3 Received in revised form 2025 Jul 5 Accepted 2025 Jul 17 Published online 2025 Sept 11	
Keywords: Lucien Goldman, sociology of literature, criticism of developmental structuralism, Ghada al-Samman, Beirut 75.	
Cite this article: Namdari, E., & et al., (2025), Sociological analysis of the novel Beirut 75 by Ghada al-Samman based on the theory of developmental structuralism. <i>Arabic Prose Studies</i> , 2 (3). 71-86. DOI: https://doi.org/10.22091/npa.2025.12478.103	
 © The Author(s) DOI: 10.22091/npa.2025.12478.103 Publisher: University of Qom	



تحليل سوسيولوجي لرواية بيروت ٧٥ لغادة السمان على أساس نظرية البنيوية التمنوية

إبراهيم نامداري^١، عسكر بابازاده أقدم^٢، ومصطفى محمدزاده^٣

١. الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم العلوم القرآنية والحديث، جامعة آية الله بروجردي، بروجرد، إيران. البريد الإلكتروني: enamdari@abru.ac.ir
٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة العلوم والمعارف الإسلامية، قم، إيران. البريد الإلكتروني: Babazadeh@quran.ac.ir
٣. ماجستير فرع اللغة العربية وآدابها جامعة بيام نور، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: mostafimohamadzadeh@gmail.com

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تدرس سوسيولوجية الأدب، كإحدى فروع علم الاجتماع، الإنتاج الاجتماعي للأدب وتحليل تبعاته الاجتماعية.
تاريخ الاستلام: ٣ مارس ٢٠٢٤	في هذا البحث، تم استكشاف التحليل الاجتماعي لرواية "بيروت ٧٥" لغادة السمان بناءً على نظرية البنيوية
تاريخ المراجعة: ٥ يوليو ٢٠٢٥	التكوينية للوسيان غولدمان. الهدف الرئيسي من البحث هو استكشاف الأبعاد الاجتماعية والثقافية الواردة في
تاريخ القبول: ١٧ يوليو ٢٠٢٥	الرواية وتحليل دور الهياكل الاجتماعية في تشكيل وعكس القضايا الاجتماعية في ذلك الوقت. يُعنى التحليل
تاريخ النشر: ١١ سبتمبر ٢٠٢٥	الاجتماعي بدراسة الحقائق الاجتماعية، وشرحها، ومقارنة المجتمعات البشرية وتحليلها، وسلوك الإنسان وأفعاله
الكلمات الرئيسية:	في المجتمع حسب الزمان والمكان وأسبابها. تشير نتائج الدراسة إلى أن هذه الرواية، من خلال التركيز على
لوسيان غولدمان، سوسيولوجية	موضوعات مثل الفقر، وعدم المساواة الطبقة، والقضايا العرقية، والشهرة والشهوة، تمكنت من تمثيل الوضع
الأدب، البنيوية التمنوية، عادة	المرح والتحديات التي واجهها مجتمع بيروت في سبعينيات القرن الماضي؛ حيث تمكنت الهياكل الاجتماعية
السمان، بيروت ٧٥.	داخل العمل، جنباً إلى جنب مع عبقرية الكاتبة، من تقديم صورة شاملة ومتعددة الطبقات للآزمات الاجتماعية
	والثقافية والسياسية لتلك الفترة، وتؤكد على أهمية الدراسة الاجتماعية للأدب في الفهم الأعمق للتطورات
	الاجتماعية.

الاقتباس: نامداري، إبراهيم و زملاؤه. (١٤٠٤). «تحليل سوسيولوجي لرواية بيروت ٧٥ لغادة السمان على أساس نظرية البنيوية التمنوية». بحوث في النثر

العربي، ٢ (٣). صص: ٨٦-٧١. <https://doi.org/10.22091/npa.2025.12478.103>





تحلیل جامعه شناختی رمان بیروت ۷۵ اثر غاده السمان بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی

ابراهیم نامداری^۱، عسگر بابازاده اقدم^۲ و مصطفی محمدزاده^۳

۱ نویسنده مسؤل: دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران. رایانامه: enamdari@abru.ac.ir

۲ دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. رایانامه: Babazadeh@quran.ac.ir

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران. رایانامه: mostafimohamadzadeh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰ کلیدواژه‌ها: لوسین گلدمن، جامعه شناسی ادبیات، نقد ساختارگرایی تکوینی، غاده السمان، بیروت ۷۵.	جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یکی از زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی، به بررسی آثار ادبی با رویکرد اجتماعی و پیامدهای آن می‌پردازد و تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در این پژوهش، رمان «بیروت ۷۵» اثر غاده السمان از منظر جامعه‌شناختی و با تکیه بر نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف اصلی این بررسی، عمیق‌تر کردن فهم ابعاد اجتماعی و فرهنگی مندرج در رمان و واکاوی نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری و بازتاب مسائل اجتماعی در آن زمان است. تحلیل جامعه‌شناختی بر واقعیات اجتماعی، رفتار و کردار انسان‌ها در جوامع مختلف منابع و زمینه‌های تحلیل را فراهم می‌آورد و این امکان را می‌دهد که بتوانیم جوامع انسانی را بر حسب زمان، مکان و علل پیدایش رفتارها و ناهنجاری‌های اجتماعی تبیین کنیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رمان «بیروت ۷۵» با تمرکز بر موضوعاتی چون فقر، نابرابری‌های طبقاتی، مسائل قومی، و همچنین مفاهیمی چون شهرت و شهوت، توانسته است به روشنی وضعیت بحرانی و چالش‌های حاکم بر جامعه بیروت در دهه ۱۹۷۰ را به تصویر بکشد. ساختارهای اجتماعی موجود در متن، به همراه نبوغ ادبی نویسنده، تصویر جامع و چندلایه‌ای از بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن دوره ارائه می‌دهد. این رمان نه تنها به بازنمایی واقعیت‌های تلخ و چالش‌های جامعه بیروت می‌پردازد، بلکه بر اهمیت مطالعه جامعه‌شناختی ادبیات تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند ابزاری مؤثر برای درک عمیق‌تر تحولات اجتماعی و روندهای فرهنگی باشد. بدین ترتیب، نتایج این پژوهش می‌تواند به تبیین رویکرد جدیدی در مطالعات ادبی و جامعه‌شناختی کمک کند و به شناساندن نقش کلیدی ادبیات در شکل‌دهی و نمایاندن واقعیت‌های اجتماعی بپردازد.

استناد: نامداری، ابراهیم و همکاران. (۱۴۰۴). «تحلیل جامعه شناختی رمان بیروت ۷۵ اثر غاده السمان بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی». نشر پژوهی عربی، ۲ (۳).

صص: ۸۶-۷۱. <https://doi.org/10.22091/npa.2025.12478.103>



(۱) مقدمه

رمان می‌تواند بستری برای تحلیل و تبیین نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری و بازنمایی مسائل اجتماعی-فرهنگی، باشد؛ به طوری که بسیاری از مطالعات در حوزه ادبیات و جامعه‌شناسی بر اهمیت تاثیرپذیری آثار ادبی از زمینه‌های اجتماعی تأکید دارند. تحلیل جامعه‌شناختی به تحلیل، شرح و مقایسه واقعیت‌های اجتماعی پرداخته، رفتار و کردار انسان‌ها را در جامعه بر حسب زمان، مکان و علت آنها، تبیین می‌کند. زرین کوب معتقد است: «روش نقد اجتماعی به تأثیر متقابل ادبیات و جامعه می‌پردازد» (زرین کوب، ۱۳۷۸ ش: ۴۱). پس می‌شود گفت که ادبیات و جامعه هر دو در حال تحول هستند و تأثیرات مستقیمی بر یکدیگر دارند به طوری که غالباً فعالیت ادبی همواره با فعالیت اجتماعی در یک مسیر قرار دارند و همچون مکملی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و نویسنده بر اساس مشکلات و مسائل جامعه که وجودش را در بر گرفته با خلق یک اثر هنری و ادبی به ارضای روح و رسیدن به هدفش که همان بازگو کردن مشکلات است در قالب رمان، نائل می‌شود. بنابراین «هر اثر ادبی، نمودی اجتماعی است و گرنه برای کسی که در گوشه عزلت، بخواهد خویشتن را آزاد کند و در طلب پیوند با سایر مردم نباشد، ساختن ادبیات عبث خواهد بود» (فرزاد، ۱۳۷۸ ش: ۷۶).

در ساختارگرایی تکوینی، رابطه جامعه و اثر هنری، به شیوه‌ای دقیق و ساختارمند بررسی می‌شود. گلدمن بر آن است که در خلق یک اثر ادبی، هم فرد و هم طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه نقش آفرینی دارند. وی معتقد است: «میان فرم ادبی رمان و رابطه روزمره انسان‌ها با کالاهای به طور کلی و به معنایی گسترده‌تر، رابطه روزمره انسان‌ها با همدیگر، در جامعه‌ای که برای بازار تولید می‌کند، هم خوانی دقیق وجود دارد» (گلدمن، ۱۳۷۱ ش: ۲۹). برای دست یافتن به معنای آثار فرهنگی، به دو مفهوم درک و تبیین اشاره می‌کند. دریافت (ادراک)، یعنی شناخت ساختار معنادار اثر و تشریح (تبیین)، یعنی گنجاندن ساختار معنادار اثر در ساختار فراگیر اجتماعی. دریافت، نتیجه شناخت قوانین درونی ساختار اثر است و تشریح در پی گنجاندن دیالکتیکی این ساختار در کلیت تاریخی - اجتماعی به دست می‌آید» (گلدمن، ۱۳۸۰ ش: ۷۵).

گلدمن در شیوه خود می‌کوشد تا ارتباط ساخت درونی اثر را با ساخت فکری (جهانبینی) طبقه اجتماعی نویسنده آشکار کند به طوری که هر چه این رابطه محکم‌تر باشد، اعتبار هنری آن نیز بیشتر است. از دیدگاه وی آثار هنری در مرحله نخست، ساخت ذهن نویسنده نیست، بلکه ساخت ذهن کلی اجتماع است؛ یعنی ارزش‌ها و آملی که در اجتماع وجود دارد. به طور کلی «گلدمن به دنبال کشف روابط ساختاری بین اثر ادبی، جهان‌بینی صاحب اثر و تاریخ است و اینکه چگونه وضعیت تاریخی یک گروه اجتماعی از طریق جهان‌بینی نویسنده به ساختی ادبی تبدیل می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۸ ش: ۲۵۷). از میان آثار ادبی معاصر، رمان مهمترین شکل ادبی روزگار و تصویر عینی از وضع موجود است. «رمان بعد استنادی و شناختی آشکارتری نسبت به شعر دارد که بین شخصیت‌های آن، با افراد یا طبقات اجتماع، ارتباط وجود دارد؛ بنابراین متن ادبی نه صرفاً تصویر جامعه و نه ترسیم سخنی نظری، بلکه مسائل اجتماعی را به مسائل معنایی و روایی تبدیل می‌کند» (زیم، ۱۳۷۷ ش: ۱۸۶).

رمان، به عنوان قالبی برای انعکاس واقعیت‌ها می‌کوشد تا به بهترین روش بازتاب حوادث جامعه و کارکردهای مبنایی اجتماع باشد تا خواننده بتواند به راحتی خود را در دنیای داستانی رمان، تصور کند. در این مقاله، ضمن بررسی رابطه جامعه و ادبیات، و اشاره به مفهوم جامعه‌شناختی ادبی، به رابطه فرد و جامعه‌ی در تحول لبنان و چالش‌های میان سنت و مدرنیته در رمان پرداخته شده و برای فهم بهتر این تحولات، رمان «بیروت ۷۵» با رویکردی جامعه‌شناختی مبتنی

بر نظریه لوسین گلدمن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در این فرآیند، عناصر مختلف تشکیل‌دهنده محتوا و ساختار اثر به دقت مطالعه می‌شود و سپس بر اساس مولفه‌های نظریه گلدمن، از جمله ساختار معنادار، جهان‌نگری و فاعل آفرینش‌های هنری، تحلیل انجام می‌گردد. در ادامه، این مؤلفه‌ها بر مبنای هنجارهای جامعه‌شناختی موضوع مطالعه قرار می‌گیرند تا ارتباط و تناسب آن‌ها با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روشن گردد.

۱-۱) بیان مسأله

درک و مطالعه جامعه‌شناسی ادبیات، به عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای، از دو جنبه اهمیت دارد: نخست آن که این دانش نقطه تلاقی و اوج ادبیات است که با حوزه‌های زبان‌شناسی و فلسفه پیوند دارد، و دوم اینکه با علوم اجتماعی و تاریخ در ارتباطی نزدیک قرار دارد. یکی از اصول پایه‌های بنیادی در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات، مفهوم فلسفه و زیباشناسی است؛ چرا که این حوزه‌ها نقش کلیدی در شکل‌گیری آن ایفا می‌کنند. بررسی تاریخچه این شاخه نشان می‌دهد که رابطه ناگسستنی میان فلسفه و جامعه‌شناسی وجود دارد؛ به‌خصوص اینکه، شکل‌گیری جامعه‌شناسی ادبیات ریشه در فلسفه‌های کلاسیک آلمان، مانند کانت، هگل و مارکس دارد. علاوه بر این، گلدمن در تحلیل جامعه‌شناسی رمان، تلاش می‌کند تا اختلاف زمانی میان ذهن، عین و جهان را در بستر تحلیل‌های جامعه‌شناختی، به‌ویژه در چارچوب نظریه ماتریالیستی-دیالکتیکی، تبیین کند. از همین رو، گلدمن سه مرحله را در تکامل سرمایه‌داری متمایز می‌سازد که با سه مرحله در تحول ادبی همراه است: ۱- سرمایه‌داری آزاد (لیبرال) که با رشد فردگرایی مبتنی بر اصل آزادگذاری، ابتکار و اقدام فردی مشخص می‌شود ۲- پیدایش سرمایه‌داری انحصارها که «حذف هرگونه اهمیت اساسی فرد و زندگی فردی در درون ساختارهای اقتصادی و در نتیجه در مجموعه زندگی اجتماعی را در پی دارد» (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۴۱). ۳- گسترش نظام‌های دخالت دولتی و ساختارهای تنظیم خودکار که به حذف هرگونه ابتکار فردی یا گروهی می‌گرایند.

جورج لوکاک اندیشمندی است که با نظریه رمان خود بر تمام عرصه جامعه‌شناسی ادبیات مسلط شده است. وی در اثر انتقادی (نظریه رمان)، راه پژوهش‌های ادبی را با شیوه‌ای جدید و ابداعی گشود (سلدون و ویدسون، ۱۳۷۷ش: ۸۴). نقش اصلی جامعه‌شناسی ادبیات در بررسی و تبیین روابط و ساختارهای اجتماعی است، به گونه‌ای که وظیفه آن تحلیل ارتباطات علی و معلولی در جامعه است. تأکید می‌شود که قبل از ظهور هر اثر ادبی، جامعه‌ای وجود دارد که نویسنده در بستر آن فعالیت می‌کند. در نتیجه، وظیفه نویسنده این است که مسائل اجتماعی را از زاویه‌ای خاص، و شاید نوآورانه، بازتاب دهد. از ابتدای پیدایش ادبیات، به‌ویژه ادبیات داستانی، همواره تلاش کرده است تا وضعیت و شرایط اجتماعی را به تصویر بکشد و از طریق روش‌های مختلف، جوامع گوناگون را مورد ارزیابی قرار دهد و وقایع و حوادث داستانی را در بستر آن پالایش کند. بنا بر نظر لوکاک، هر فردی جهان هنری ویژه خود را می‌آفریند. شیوه‌های گوناگون زندگی افراد باعث می‌شود که آن‌ها درون مایه‌های هنری خاص خود را خلق کنند. بین ساختار ادبی و ساختار ذهنی خالق آن رابطه دیالکتیکی وجود دارد. بر خلاف حماسه که به جمع می‌پردازد، رمان به دنیای فرد توجه دارد. بنابراین قهرمان رمان فرد مسئله‌دار است، تقسیم‌کار و عقلانی شدن آن بروکراسی وسیع و اهمیت کالا و پول در جامعه مدرن، انسان‌ها را به موجودی از خود بیگانه تبدیل کرده است. این اوضاع باعث شده است که انسان مسئله‌دار، پدید بیاید. (لوکاک، ۱۳۸۰ش: ۱۸۵) این مطالعه امکان دارد بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی یک ملت را از طریق تحلیل و کشف ارتباط دیالکتیکی و دوطرفه میان اثر ادبی و وضعیت اجتماعی حاکم بر جامعه آن دوره نشان دهد. علاوه بر این، می‌تواند نوع و

شکل روابط میان طبقات مختلف جامعه را توضیح دهد و نقش نیروهای جمعی فعال در فرآیندهای تحول اجتماعی در جامعه مورد مطالعه را نمایان سازد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- کدام یک از واقعتهای اجتماعی در این اثر بازتاب یافته و تحلیل جامعه‌شناختی تا چه اندازه در رمان بیروت ۷۵ کاربرد داشته است؟
- ۲- ایدئولوژی حاکم بر این رمان چیست و چه تاثیری بر محتوای آن داشته است؟ نویسنده با چه شیوه‌ای از مسائل و مشکلات اجتماعی حاکم بر جامعه مورد بحث در رمان پرده برداشته است؟
- ۳- آیا نویسنده فقط به بازآفرینی مشکلات روز جامعه در این اثر پرداخته یا افزون بر طرح مشکلات، راه حل آنها را نیز بیان کرده است؟

۱-۲) پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل جامعه‌شناختی در زبان و ادبیات عربی، کتاب‌های ارزشمندی به نگارش درآمده‌اند که به بررسی ارتباط بین ادبیات و جامعه می‌پردازند. در این میان، یکی از آثار برجسته، کتاب "علم اجتماع الادب: مناهج و تطبیقات" اثر ابراهیم فضل‌الله است که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. نویسنده در این اثر به تحلیل دقیق رابطه بین ادبیات و جامعه می‌پردازد و تأکید می‌کند که برای فهم عمیق و دقیقتری از متن ادبی، ضروری است که جامعه مربوطه نیز مورد بررسی و شناخت قرار گیرد. فضل‌الله با بررسی روش‌های مختلف تحلیل اجتماعی، سعی دارد تا نشان دهد که چگونه عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌توانند بر شکل‌گیری و تفسیر آثار ادبی تأثیر بگذارند. این کار به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از بستر اجتماعی و تاریخی نویسندگان و نحوه تأثیرگذاری آن بر خلق و انتخاب مضامین ادبی داشته باشیم. از این رو، کتاب او نه تنها به عنوان یک منبع نظری برای پژوهشگران ادبیات بلکه به عنوان راهنمایی برای تحلیل‌گران اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار حائز اهمیت است. با توجه به این رویکرد، می‌توان انتظار داشت که تحلیل‌های جامعه‌شناختی در ادبیات عربی، ابعاد جدیدی از فهم و تفسیر آثار ادبی را فراهم آورده و تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه را به خوبی نمایان سازد. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان "بررسی تطبیقی آثار غاده السمان و فروغ فرخزاد"، از مصطفی جوانرودی در دانشگاه تهران به سال ۱۳۸۷ به رشته تحریر درآمده است که به مقایسه آثار غاده سمان و فروغ فرخزاد می‌پردازد و بیشتر بر مسأله زن و مسائل اجتماعی پیرامون زن در جامعه نظر داشته است و به این نتیجه می‌رسد که غاده السمان تحت تأثیر فروغ فرخزاد است. در ایران نیز تاکنون در مبحث جامعه‌شناختی ادبیات عرب و به ویژه رمان، مقاله‌های فراوانی نوشته شده است:

"نقد جامعه‌شناختی رمان سال‌های ابری علی اشرف درویشیان" نوشته خلیلی جهانتیغ، مریم و مکيه عثمانی، مجله ادبیات داستانی، شماره اول، سال ۱۳۹۱. در این مقاله نویسندگان تلاش کرده‌اند تا ارتباط دو سویی کلیت اثر ادبی با کلیت اوضاع اجتماعی دوره‌ای که اثر در آن تکوین یافته را پیدا کنند و به بهترین نحو آن را به نگارش درآورند.

"تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر اساس نظریه کنشی گریماس" نوشته مهین حاجی زاده و محدثه ابهن، نشریه نقد ادب معاصر عربی، شماره ۵، دوره ۳، سال ۱۳۹۲. در این مقاله سعی شده است تا بر اساس نظریه کنشی گریماس، که در آن کنش‌های شخصیت‌های داستانی، مدلی را در بررسی شخصیت طراحی کرده است که از سه الگوی دو تایی: کنش‌گذار - کنش‌پذیر، کنشگر - هدف، کنش‌یار - ضد کنشگر تشکیل شده است مورد بررسی قرار دهند.

"بررسی جامعه‌شناسانه‌ی نمایشنامه‌ی چهار صندوق نوشته بهرام بیضایی با تکیه بر آرای لوسین گلدمن" نوشته احمد کامیابی مسک و فائزه دائمی، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۴، شماره ۱، سال ۱۳۹۸. در این مقاله سعی شده است که به هدف خود یعنی دست‌یابی به شناختی بهتر از جامعه و گروه‌های اجتماعی دوران نگارش نمایشنامه و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی هنر و نظریه ساختارگرایی تکوینی گلدمن که شامل دو مرحله دریافت و تبیین است برسند. برای دستیابی به پاسخ سوال‌ها و اثبات یا رد فرضیه‌ی تاثیرپذیری رمان (بیروت ۷۵) از جهان‌بینی و آگاهی اجتماعی نویسنده، ابتدا نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن به طور مبسوط تبیین می‌شود. سپس مراحل لازم برای مطالعه یک اثر ادبی از خلال این نقد در قالب یک الگو ارائه می‌شود. در نهایت نیز تحلیل موردی داستان مورد نظر، انجام شده و نتیجه‌ی پژوهش ارائه می‌شود. بنا براین شیوه‌ی به کار گرفته شده در این پژوهش، تفسیری-تحلیلی خواهد بود.

۱-۳) شیوه‌های گردآوری داده‌ها و ابزار مورد استفاده در تحقیق

در این پژوهش، با توجه به ماهیت کیفی و بهره‌گیری از روش ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن، شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها بر دو سطح عمده استوار است. در سطح اول که به فهم و درک متون ادبی اختصاص یافته، از روشی بهره گرفته شده است که بیشتر بر توان تحلیل و استنتاج پژوهشگر تکیه دارد. در این مرحله، محقق با مطالعه متن و تامل دقیق بر پیکره آفرینش ادبی، ساختاری یا مدل معنایی منسجم، جامع و پیوسته را استخراج می‌کند. این ساختار، ممکن است تمامی ابعاد هستی‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناختی متن را دربرگیرد و بدون افزودن هیچ عنصر بیرونی، عاملی است برای تبیین و شناخت ابعاد متن، و بر شواهدگونی از درون متن استوار است. در این فرآیند، ساختار یا الگوی معنایی، پس از تحلیل و تطبیق با شواهد، به عنوان نتیجه نهایی معرفی می‌شود (گلدمن، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۳). در سطح دوم، که مربوط به تحلیل‌های تشریحی است، ساختار معنادار اثر در بستر بزرگ‌تر و جامع‌تری قرار گرفته و بر اساس شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زمان آفرینش اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این سطح، برای گردآوری داده‌ها، از مطالعه منابع تاریخی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن دوره استفاده می‌شود؛ با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات و اسناد معتبر، که خود نشان‌دهنده به‌کارگیری روش پژوهش تاریخی و ابزارهای مرتبط است. در این مرحله، با توجه به اینکه نویسنده در اثر، جهان‌نگری گروه یا طبقه‌ای خاص را بازتاب می‌دهد و اثر، ساخته و پرداخته یک فرد هم نیست بلکه نتیجه آفرینش گروه یا طبقه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود، داده‌ها از بستر تاریخی و مناسبات طبقاتی مربوطه جمع‌آوری و تحلیل می‌گردند. این کار امکان کالبدشکافی و شناخت عمیق‌تری از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی اثر را فراهم می‌آورد (همان، ۱۳۸۰: ۹۴).

۲) ساخت گرای تکوینی لوسین گلدمن

منش اصلی نظریه ساخت‌گرایی تکوینی بر این اصل بنیادین استوار است که هر اقدام انسان، تلاشی مداوم برای فراهم آوردن معانی و پاسخگویی به موقعیت‌های خاص و متغیر است. بر اساس این فرضیه، خواننده در تلاش است تا میان فاعل عمل و موضوع تحت تأثیر آن تعادل برقرار کند. این تعادل، به‌طور طبیعی، همواره موقت و شکننده است؛ زیرا هر نوع توازن میان ساختارهای ذهنی فاعل و محیط بیرونی در نهایت منجر به حالتی می‌شود که رفتار انسان توان تغییر دادن جهان را دارد. این تغییرات، به نوبه خود، تعادل قبلی را به هم می‌زنند و به دنبال آن، گرایشی به سوی ایجاد تعادل جدیدی شکل می‌گیرد. این فرآیند به صورتی مداوم ادامه می‌یابد: تعادلی که در نتیجه تعاملات جدید به وجود می‌آید، به تدریج جایگزین تعادل‌های قبلی می‌شود و در آینده، ممکن است دوباره خود را در معرض تغییرات جدید قرار دهد. در این

راستا، نظریه ساخت‌گرایی تکوینی به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از دینامیک‌های در حال تغییر در تعاملات انسانی و شکل‌گیری معانی اجتماعی پیدا کنیم، به‌ویژه در زمینه‌های ادبی که با پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی گره خورده‌اند. این بازنگری پیوسته در رفتار و تعادل‌های میان‌فردی، به ما این امکان را می‌دهد که به تأمل در وضعیت‌های مختلف اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر فرایندهای خلاقانه بپردازیم. بدین ترتیب واقعیت‌های انسانی به صورت فرایندهایی دو رویه نمودار می‌شوند، ساخت‌شکنی ساختارهای قدیمی و ساختار یابی کلیت‌های جدیدی که قادر به ایجاد تعادل‌هایی هستند که می‌توانند نیازهای تازه گروه‌های اجتماعی را برآورده سازند (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۳۱۷). ساخت‌گرایی تکوینی رهیافتی است که محل تمرکزش بررسی شرایط و فرایندهای اجتماعی وابسته به خلق ادبیات مارکسیستی و ملهم از لوکاش جوان است که طی آن متن ادبی به منزله ابزاری برای بررسی جامعه‌شناختی به کار می‌رود و به طور خلاصه، بررسی منش تاریخی- اجتماعی دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده است (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۲۰۱).

در حال حاضر، سوال اصلی این مقاله درباره شناخت جامعه‌ی مورد نظر نویسنده و اثر او مطرح می‌شود؛ مسئله‌ای که بدین صورت بیان می‌شود: آیا بین ساختار زیبایی‌شناختی رمان «بیروت ۷۵» اثر غاده السمان، از یک سو، و ساختار ذهنی، آگاهی جمعی و مجموعه باورهای گروه یا طبقه اجتماعی که نویسنده بدان منسوب است، از سوی دیگر، رابطه‌ای متقابل یا هم‌پوشانی ساختاری وجود دارد؟ یا این که می‌توان رمان «بیروت ۷۵» را جزو گونه‌های آفرینش‌های ادبی گروه‌ها و طبقات تاریخی محسوب کرد که جامعیت روابط میان انسان‌ها و نیز روابط انسان و طبیعت را دنبال می‌کنند و با ساختن جهانی منسجم و یکپارچه، در عرصه مفهومی به تأسیس نظام‌های فلسفی و در عرصه تخیل به خلق آثار هنری بزرگ می‌انجامد؟

گلدمن برای بررسی اثر ادبی دو مرحله قائل است: ۱- درک یا دریافت؛ ۲- توضیح یا تشریح. در مرحله درک یا دریافت، به ساختار اثر ادبی توجه می‌شود و وجوه هنری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اثر واکاوی می‌شود و از کنار هم نهادن این یافته‌ها، کلیت حاکم بر اثر یا ساختار معنا دار آن به دست می‌آید. در مرحله توضیح یا تشریح، ساختارهای اجتماعی زمانه تولید اثر و مهمترین عوامل و عناصر تاثیر گذار در سامان دهی آگاهی جمعی و ساختار کلی حاکم بر آن دوره بازنمایی می‌شود (گلدمن، ۱۳۸۲ش: ۱۷). مفاهیم اساسی که در نظریه ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن وجود دارند، عبارتند از: جهان‌بینی، تمامیت، طبقه اجتماعی، تضاد طبقاتی، آگاهی طبقاتی، فاعل فرا فردی، شیء وارگی و پروبلماتیک.

۲-۱) جهان‌بینی (جهان‌نگری)

مفهوم اساسی در ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن، جهان‌بینی است. «هر اثر برجسته ادبی در برگیرنده جهان‌بینی گروه است و نویسنده، کار گزار این جهان‌بینی است و جهان‌بینی مجموعه آرزوها، احساس‌ها و اندیشه‌هایی است که اعضای گروهی و بیشتر افراد طبقه‌ای را به هم می‌پیوندد و آن را برابر گروه یا طبقه دیگر قرار می‌دهد» (همان: ۱۳).

۲-۲) تمامیت (کلیت)

مفهوم تمامیت، مقوله‌ای بنیادی در اندیشه گلدمن است. او تمامیت را همان جهان و جامعه بشری در نظر می‌گیرد و معتقد است که «تمامیت امری داده شده نیست؛ بلکه با عمل و کنش انسانی در فرایند تاریخ ساخته می‌شود» (همانجا).

۲-۳) طبقه اجتماعی

گلدمن به موضوع طبقه، توجه ویژه‌ای دارد وی معتقد است که «طبقات اجتماعی با عمل خود تاریخ را می‌سازند و گروه‌هایی هستند که با عملشان شایستگی ویژه‌ای برای دگرگونی‌های تاریخی فراهم می‌سازند و طبقات و گروه‌های اجتماعی زیرساخت جهان‌بینی‌ها را تشکیل می‌دهد» (گلدمن، ۱۳۶۹: ش: ۱۳). وی معتقد است که طبقه اجتماعی، گروه بزرگی از انسان‌هاست که از نظر مقام و مرتبت در سیستم تولید اجتماعی معین بر مبنای شرایط تاریخی در روابط تولیدی و مناسبات اجتماعی تولید و دسترسی به ابزار تولید و نحوه دستیابی به ثروت اجتماعی وضعیت مشابهی داشته باشند (همان: ۱۵).

۲-۴) تضاد طبقاتی

«نظام اقتصادی سرمایه داری به کسانی قدرت می‌دهد که ثروت و اموال را در تملک خود داشته باشند در مقابل افرادی که اموالی در تملک نداشته باشند، دارای قدرت نیستند در این شرایط میان آنها تضاد طبقاتی ایجاد می‌شود» (همان: ۴۵). پس می‌توان گفت که «تضاد طبقاتی آنگاه مطرح می‌شود که جامعه مرکب از گروه‌های جداگانه‌ای باشد که هر یک به دنبال منافع خاص خویش است. وجود منافع جداگانه منجر به تضاد میان ظرفیت‌ها و امکانات می‌گردد که گروه‌های معینی بیش از بقیه نفع می‌برند» (گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۳)؛ بنابراین تضاد طبقاتی در میان ساختارهای اقتصادی و روابط اجتماعی وجود دارد و هر چقدر در توزیع منابع موجود در یک کشور نابرابری بیشتری وجود داشته باشد، تضاد بیشتری را در میان طبقات و اقشار مختلف آن جامعه موجب می‌شود.

۲-۵) آگاهی طبقاتی

«آگاهی طبقاتی یا آگاهی ممکن یک طبقه اجتماعی، یک جهان‌بینی را تشکیل می‌دهد و ممکن به صورت مذهب، فلسفه، ادبیات و هنر بیان شود» (گلدمن، ۱۳۶۹: ش: ۷۳). به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که «آگاهی طبقاتی احساس گروهی است که دستاورد های اجتماعی آن مشخصاً به کامیابی‌هایش به صورت یک گروه بستگی دارد و می‌توان گفت آگاهی طبقاتی وقتی وجود دارد که جامعه کاملاً گروه‌بندی شده باشد و این گروه‌ها از لحاظ خصوصیات اقتصادی مشابه باشند و در آزمون‌هایی که زمینه ادراکشان از خصوصیات مشترک، نیازهای مشترکشان و هدف‌های جمعی مشترک به عمل می‌آید، ثمراتی مشابه به دست می‌آید» (استونز، ۱۳۸۵: ش: ۵۶).

۲-۶) فاعل فرا فردی (جمعی)

گلدمن در وهله نخست مفهوم فاعل فرافردی را به عنوان «آفریننده راستین محصول فرهنگی و به ویژه آثار ادبی مطرح می‌کند. بدین ترتیب مقوله‌های معنادار در بررسی جامعه‌شناسی ادبیات نه به صورت پدیده‌هایی فردی، بلکه به صورت پدیده‌هایی کاملاً اجتماعی به کار می‌روند. به نظر گلدمن، فراروی از فرد به جمع پیامدی بسیار مهم برای زیباشناسی رمان دارد» (گلدمن، ۱۳۶۹: ش: ۹۲).

۲-۷) شیء وارگی

مسئله شیء وارگی را ابتدا هگل، سپس مارکس و آنگاه لوکاچ مطرح کرد اما گلدمن پدیده شیء وارگی را به مثابه بت وارگی تحلیل کرده است. به طوری که «تسلط دنیای سرمایه داری بر افراد چنان است که آنان به اشیاء بدل می‌شوند و به دنیای منفعل محدود می‌گردند و مناسبات انسانی و نهادها نیز دست خوش همین تباهی و ارزش باختگی می‌شوند» (همان: ۳۱۵).

۲-۸) پروبلماتیک

از بر ساخته‌های لوکاچ است که از مفاهیم اساسی گلدمن محسوب می‌شود که ترجمه آن به تعبیری «مسئله دار» است نه مسئله ساز که برای پرهیز از هرگونه بدفهمی می‌گوید «اصطلاح شخصیت پروبلماتیک را نه به معنای فرد مسئله ساز بلکه به معنای شخصیتی به کار ببریم که زندگانی و ارزش‌های او را در برابر مسائلی حل‌نشدنی که نمی‌تواند آگاهی روشنی و دقیقی از آنها به دست آورد؛ قرار دهیم» (همان: ۲۵۹). از دیگر ویژگی‌هایی که گلدمن برای شخصیت پروبلماتیک بر می‌شمرد؛ عبارتند از: «بی آینده، گرایش به ارزش‌های مصرف در جامعه که ارزش مبادله حاکم است. قرار گرفتن در حاشیه جامعه، پیروی از ارزش‌های کیفی و سرانجام منتقد و مخالف جامعه» (همان: ۱۷۹).

۳) غاده السمان و نگاهی به رمان بیروت ۷۵

غاده السمان در سال ۱۹۴۲ در دمشق متولد شد. پدرش، دکتر احمد السمان، رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش بود. نخستین کارهای او در سنین نوجوانی به چاپ رسانید. از دانشگاه سوریه با مدرک لیسانس در ادبیات انگلیسی فارغ التحصیل شد. سپس دوره فوق لیسانس را در دانشگاه آمریکایی بیروت ادامه داد و دوره دکتری ادبیات انگلیسی را در دانشگاه لندن طی کرد (مدنی، ۱۳۸۵: ۷۱). کارهای ادبی او در دهه شصت شروع گردید، از آن زمان حافظه‌ی فرهنگ عرب جایگاه ویژه‌ای را به وی اختصاص داده است.

رمان «بیروت ۷۵» روایت هویت پنج شخصیت متفاوت است که هر کدام هدف‌ها و آرزوهای خاص خود را دارند و در مسیر مشترکی برای رسیدن به بیروت کنار هم قرار می‌گیرند، در حالی که هر یک خیالات و انگیزه‌های متفاوتی دارند. نویسنده در این اثر عمدتاً بر داستان دو شخصیت اصلی، یعنی فرح و یاسمین، تمرکز دارد و شخصیت‌های دیگر را به عنوان مکمل‌هایی برای توسعه داستان به تصویر می‌کشد. فرح، جوان سوری است که زندگی سخت روستایی را ترک کرده و قصد دارد از طریق آمدن به بیروت، به ثروت و شهرت برسد. او قصد دارد با نشان، دوست پولدار پدرش، آشنا شود و در آنجا جایی برای خودش دست و پا کند، اما عشق او به ثروت و شهرت او را در دام نشان گرفتار می‌کند؛ او در نهایت، به ابزاری در دست نشان تبدیل می‌شود و بنیان رویای خود را بر باد می‌دهد، تا این که دیوانه شده و بهای خیالش را با جنون خودش می‌پردازد. یاسمین، دختر سوری دیگری است که از زندگی محدود و خشک راهبه‌ها خسته شده و به دنبال آزادی و شور در شهر بیروت است. در آن‌جا، وارد رابطه عاطفی با سیاستمدار ثروتمندی به نام نمر می‌شود، اما در نهایت، نمر او را ترک می‌کند و یاسمین، قربانی قساوت شهر و نقاب زیبایی توحشه‌اش می‌شود؛ او در نتیجه، به دست برادرش کشته می‌شود. ابو مصطفی، صیاد بی‌نوا و ناامید است؛ او دلبسته خیالی است که در سر دارد و دیگر توان کار در دریا و صید ماهی ندارد. همواره در پی یافتن چراغ جادو است تا از وضعیت فقر نجات یابد، و سرانجام، با ناچاری، روزی در پی یافتن آن، با استفاده از دینامیت وارد دریا می‌شود و جان خود را از دست می‌دهد، اما به آرزویش می‌رسد.

در سمت دیگر، طعان، دانش‌آموخته داروسازی است که پس از بازگشت به شهر خود، متوجه می‌شود درگیر جنگ طایفه‌ای شده است؛ چون پسرعمو و فردی تحصیل کرده از آن قبیله او به قتل رسیده است، و آنان قصد تلافی دارند. اما فشارهای عصبی و استرس باعث می‌شود که او به اشتباه فرد بی‌گناهی را متهم و کشته کند، و در نتیجه، محکوم به اعدام می‌شود. شخصیت دیگر، ابو ملا، نگهبان آثار باستانی دورافتاده است که به دلیل فقر، مجبور می‌شود دختران

خود، حتی دختر سه ساله اش را به عنوان خدمتکار به دربار ثروتمندان فرستد. پس از این ماجراهای سخت، دچار بیماری قلبی می شود و با بیماری و افسردگی دست و پنجه نرم می کند؛ او در تلاشی ناامیدانه برای رهایی از فقر و آزاد کردن دخترانش، مجسمه های باستانی را سرقت می کند، اما استرس و هیجان ناشی از این عمل، منجر به سکنه و مرگ او می شود.

۴) تحلیل جامعه شناختی رمان

۴-۱) مرحله اول: دریافت

در این بخش به تحلیل ساختار درونی اثر و معرفی شخصیت ها پرداخته می شود. در رمان بیروت ۷۵ دو شخصیت اصلی و مابقی شخصیت ها به عنوان مکملی برای رمان استفاده شده است؛ با توجه به اینکه بار اصلی رمان به دوش شخصیت های اصلیست، بنابراین به معرفی فرح و یاسمینه بسنده می گردد:

۴-۲) فرح

نویسنده ابتدا به توصیف دمشق، تحت عنوان شهری گرم و بدون امکانات رفاهی می پردازد که همه خواهان رفتن از آنجا و رسیدن به بیروت، بهشت آرزوهایشان هستند «الشمسُ شَرِسَةٌ وملتَهَبَةٌ وکلّ ما فی ذلك الشارع الدمشقی کان ینزفُ عرقاً، ویلهُثُ» (السّمان، ۱۹۹۳: ۵). در ادامه پرده از شادی مردم برداشته؛ شادی ای که همگان منتظر آنند و در رسیدن به بیروت خلاصه می شود «ومرّت ببابِ الکراجِ حلوةً صغیرةً، وخیلٌ إلى فرحٍ أنّ خَدَیْها تَوْهَجَا لِسَماعِ اسمِ بیروت، أم تَرَاهُ الحرّ؟ کُلْهِنَّ وَکُلْهِنَّ یَحْلُمُ بِبیروت. لستُ وَحِیدی، ولکنّی وَحِیدی ذاهِبٌ لا قَتْحاً لِمِها» (همان: ۵). مردم برای رهایی از مشکلات کشور خود یعنی نبود امکانات و کم بودن حقوق و همچنین رسیدن به آن شهر رویاها، پیوسته منتظر رفتن به سوی آن هستند و نویسنده برای اینکه در میانه داستان یک غم و اندوه نشأت گرفته از خود بیروت را بیاورد در داستان به سه زن اشاره می کند، که در تاکسی کنار فرح و یاسمینه گریه می کنند و دلیل گریه آنها هم معلوم نیست. به طوری که فرح با خود می گوید، نکند دارم به سوی مرگ خودم می روم و این سرنوشت من است «یَمَلَأُها هُنالک بکاءٌ خافتٌ... النِسوةُ الثَلاثُ فی المَقْعَدِ الخلفیّ یَکین. تفکّرُ الفتاة: (لعلَّهِنَّ ذاهباتٌ إلى ماتَمٍ قَریبٍ لهنّ قَضی نَجَته فی بیروت). یفکّرُ فرحٌ لِماذا یَتَجَبَنَ هکذا؟ تَرانی ذاهباً إلى مَوْتٍ وعِرافاتُ القَدَرِ یُشیّعُنی ویُکینِی» (همان: ۷). فرح که نمادی از انسانی عادی است که به دنبال پیدا کردن قدرت و شهرت، کشور خود را ترک می کند. در راه، مدام با خود حرف می زند که برگردد چه سرنوشتی انتظار او را می کشد و آیا به نفع است برود یا بازگردد و زندگی خود را سر و سامان دهد. نویسنده در این بخش، به علاقه انسان ها به راحتی و عبور از مشکلات اشاره می کند. «لو أَعُود. لو نَعُودُ معاً أنا وَهَذِهِ المرأةُ البیضاء السَمینة. أَتَزَوَّجُها؟ رُبّما. نَقُطِنَ فی بَیتِی بَدُوما. أَتَابعُ الدَّهَابَ إلى مرکزِ عَمَلِی بدمشقَ کُلَّ یومٍ کُلَّ یومٍ حتی أَمُوت. ستَسمُنُ ستَفوَحُ مِنْها رائحةُ الطَبخِ وَالشَتائم. سَأَصیرُ مُدیراً لِبقیةِ المُوظَفين وَأَصابَ بالسَّلّ مِنْ تَنَقُّلی شتاءً بَینَ دُوما وَدمشقَ» (همان: ۸). در نهایت فرح بیچاره پس از آن همه معروفیت و مشهوریتی که توسط طبقه ثروتمند برایش ساخته بودند، هنگامی که می فهمد در واقع خود را به آن ها فروخته است و این معروفیت هیچ آینده ای ندارد؛ زیرا هر وقت آن ها بخواهند از او پس می گیرند؛ دیوانه شده و او را به تیمارستان می برند «یومَ جئتُ إلى بیروت کانت قامتی أطولَ مِنَ اللیلِ، وَالبَحْرُ کُلُّه لا یَکفِینِی فِراشاً، وَخِیمَةُ الظَّلامِ المَثقُوبَةِ

بِالنَّجْمِ كَانَ يُحِيلُ إِلَيَّ أَنَّهُا سَتَضِيقُ عَنْ اسْتِيعَابِ طُموحي. وكلُّ نساءِ بيروتَ لَنَ تكفيني.. آه كيفَ انشطرت. كيفَ تناثرت، وهَا أَنَا اليومَ المَلَمُّ نَفْسِي فِي مَخْبِي الحَقِيرِ خَلْفَ سَقَطِ المَتَاعِ لَقَدْ انْحَسَرَتْ عَنِي بيروتُ، وَلَفَظْتَنِي إِلَى الشَّاطِيَةِ صَدْفَةٌ فارغةٌ وَ وحيدةٌ. أَسْمَعُ بِاسْتِمْرَارٍ صَوْتًا يَتَحَبَّبُ فِي دَاخِلِي كَصَوْتِ الصُّدْفَةِ. آه.. كَيْفَ كَيْفَ كَيْفَ؟» (همان: ۱۰۸).

۴-۲-۱) یاسمینه

یاسمینه، دختری است با آرزوهای زیاد که می‌خواهد آنها را در بیروت برآورده کند و رویاهای زیادی را در سر می‌پروراند، رویاهایی که با آنها می‌خواهد خود را از گیر و بندهای جامعه خود رها کند و با خیال زندگی بهتر راهی بیروت شود. «تَشْعُرُ يَاسْمِينَةُ بِأَنَّهَا غَابَةٌ، وَالْمُوسِيقَى رِيحٌ تَتَخَلَّلُهَا، وَتَهْزُ أَشْجَارَهَا وَأَغْصَانَهَا وَتَطْلُقُ صَبَاحَ عَصَافِيرِهَا وَتَوْقِظُ نَعَابِيَتَهَا.. الموسیقی تُحَرِّكُ فِيهَا دَائِمًا مَحْزُونًا خَفِيًّا مِنَ الْعَوَاطِفِ الْغَامِضَةِ. تَشْعُرُ بِأَنَّهَا عَاشِقَةٌ تُحِبُّ شَخْصًا بِالذَّاتِ وَلَكِنَّهَا دَوْمًا فِي حَالَةِ عَشَقٍ، وَدَوْمًا عَلَى اسْتِعْدَادٍ لِأَن تَحُبَّ وَتَلْتَهَبَ وَتَتَعَذَّبَ وَتَنْسَى دُونَ أَنْ يَدْرِي الْحَبِيبُ عَنْهَا شَيْئًا السَّيْنَمَا تَفْعَلُ بِهَا الشَّيْءَ ذَاتَهُ» (السَّمان، ۱۹۹۳: ۸). اما دلیل اصلی یاسمینه برای رفتن به بیروت، رهایی از محدودیت‌هاست، محدودیت‌هایی که زندگی او را یکنواخت کرده است و هیچ هیجانی در زندگی‌اش وجود ندارد، او معلم راهبه‌ها بود و در آنجا قوانین سختی وجود داشت، که همگی این عقده‌ها با هم جمع شده‌اند و دیگر راهی برای بازگشت ندارد و به دنبال عشق، شهرت و آزادی کشور خود را ترک می‌کند. «تَعَبْتُ مِنَ الْعَمَلِ أَسْتَاذَةً فِي مَدَارِسِ الرَّاهِبَاتِ. سَيِّمْتُ. سَيِّمْتُ. سَيِّمْتُ. الأَيَّامُ تَمْضِي ثَقِيلَةً كَجَسَدٍ مَخْذِرٍ عَلَى طَاوِلَةِ الْعَمَلِيَّاتِ. وَأَنَا لَا أَفْعَلُ شَيْئًا سِوَى الضَّجْرِ وَكِتَابَةِ الشَّعْرِ. بِيْرُوتُ تَنْتَظِرُنِي، بِكُلِّ بَرِيقِهَا، بِكُلِّ إِمْكَانَاتِ الْحَرِيَّةِ فِيهَا، بِكُلِّ إِمْكَانَاتِ الْحُبِّ فِيهَا بِكُلِّ إِمْكَانَاتِ الشُّهُرَةِ فِيهَا، بِكُلِّ إِمْكَانَاتِ نَشْرِ قِصَائِدِي فِي صُحُفِهَا، وَقَلْبِي طَائِرٌ جَائِعٌ لِلتَّحْلِيْقِ. لَنْ أَرَى رَاهِبَةً بَعْدَ الْيَوْمِ. أَوْ! لِهَذَا الشَّابِّ إِلَى جَانِبِي وَجُودٌ مَزَعَجٌ. إِنَّهُ يَبْدُو كَقُرُوبٍ مُتَلَهِّفٍ لِلْحَدِيثِ عَنْ نَفْسِهِ، وَسَيِّمٌ وَفَجٌّ» (همان: ۹). یاسمینه برای اولین بار در زندگی‌اش کارهایی را تجربه می‌کند که سرآغاز فریب خوردن و سردرگمی در جامعه‌ای بی رحم و خشن است. «لَقَدْ أَقْبَضْتُ الشَّمْسُ جَسَدَهَا وَصَوْتُ اصْطِحَابِ الْأَمْوَاجِ، وَرَائِحَةُ الْمَلْحِ، وَاهْتِرَازُ الْيَخْتِ فِي قَلْبِ الْبَحْرِ، وَالْوَيْسَكِي الَّذِي لَمْ تَذُقْهُ مِنْ قَبْلُ، وَالسَّمَاءُ الزَّرْقَاءُ الشَّاسِعَةُ الَّتِي تَفِيضُ رَضًى وَهْدَوًى كَأَنَّهَا تَبَارَكَ لِحَطَّاتِ اكْتِشَافِهَا لْجَسَدِهَا.. وَالشَّمْسُ، وَذَلِكَ الْإِحْسَاسُ الصَّاعِقُ الْمَفْتَرَسُ حِينَ تَعَرَّتْ يَاسْمِينَةُ تَمَامًا لِلْمَرَّةِ الْأُولَى فِي حَيَاتِهَا تَحْتَ الشَّمْسِ» (همان: ۱۳). او حالا احساس می‌کند، در بهشتی قرار دارد که باید مدت‌ها پیش به اینجا می‌آمد، غافل از این که، دختر ساده گمان نمی‌کند به ابزاری برای شهوت صاحبان قدرت مبدل گشته است. «أَطْفَأُ نَمِرَ مُحَرِّكِ الْيَخْتِ، وَأَفْلَتُهُ لِلْمَوْجِ يَمْضِي بِهِ حَيْثُ يَشَاءُ وَلَرِيحِ الْمَصَادِفَةِ. وَانْطَلَقَ مِثْلَهَا يَرْكُضُ عَلَى سَطْحِ الزَّوْرِقِ عَارِيًّا كَسَمَكَةٍ. وَأَحْسَنَتْ بِأَنَّهَا يَعِيشَانِ أُسْطُورَةَ الْخَلْقِ الْأُولَى، وَالْيَخْتُ الصَّغِيرُ صَدْفَةٌ لَوْلِيَّةُ اللَّوْنِ. وَالسَّمَاءُ الشَّاسِعَةُ لَمْ تَكُنْ قَطُّ أَكْثَرَ صَفَاءً وَثُلُوجُ أَعْوَامِهَا السَّبْعَةِ وَالْعَشْرِينَ تَذُوبُ. الثَّلُوجُ الَّتِي هَطَلَتْ فَوْقَهَا طِيلَةً عَشْرَةَ أَعْوَامٍ مِنْ قُبُعَاتِ الرَّاهِبَاتِ حِينَ كَانَتْ تَعْمَلُ مَدْرَسَةً» (همان: ۱۴). یاسمینه با یک مرد از طبقه سرمایه دار و صاحب نفوذ وارد رابطه شده بود و خود را به نوعی به او وابسته کرده بود تا فقیری او در نزد دیگران آشکار نشود. در این بخش نویسنده، خصوصیات طبقه مرفه جامعه و وضعیت جسمانی آنها با طبقه فقیر و تهی دست را مقایسه می‌کند. «وَهِيَ تَكْرَهُ فَقْرَهَا وَتَحُبُّ الثَّرَاءَ وَتَحُبُّ جَسَدَهُ الَّذِي يُعْلِنُ عَنْ ثَرَاتِهِ بِوَقَاحَةٍ فِي ذَلِكَ الْأَنْسِجَامِ الْمَذْهَلِ التَّكْوِينِ. وَحَتَّى قَدَمَاهُ تَعْلَنَانِ عَنْ ثَرَاتِهِ. قَدَمُهُ نَاعِمَةٌ، وَلَيْسَتْ فِيهَا أَيَّةُ تَوْرَمَاتٍ أَوْ تَشْوِيهَاتٍ

مِنْ تِلْكَ الَّتِي تَنْمُو فِي أَقْدَامِ أَنْصَافِ الْفُقَرَاءِ الْمَضْطَّرِّينَ إِلَى ارْتِدَاءِ الْحِذَاءِ نَفْسِهِ حَتَّى يَبْلِي مَهْمَا كَانَ قَاسِيًا وَمَوْءَلًا وَمَشَوَهَا لِأَقْدَامِهِمْ» (همان: ۱۵). او بر نادانی خودش اقرار می‌کند، که دارد دیوانه می‌شود انگار تمام راهی را که پیموده، اشتباه بوده و بیروت جز تباهی چیز دیگری ندارد. «إِنِّي أَرَى جُنُونِي وَأَرَى خَطَايَا وَأَرَى بَوْضُوحَ كَيْفَ أَخْرَجُ مِنْ مُنْزِلَتِي، لَكِنِّي عَاجِزٌ عَنْ ذَلِكَ... لَقَدْ نَسُوا حِينَ حَبَسُونِي فِي قِمَمِ الثَّقَالِيدِ إِنَّهُمْ بِذَلِكَ يُجَرِّدُونِي مِنْ مُقَاوِمَتِي وَهَذَا أَنَا أَسْتَسَلِمُ لِنَهْرِ النَّارِ الَّذِي يَجْرِفُنِي، نَهْرُ الْآهَاتِ الْكَاوِيَةِ» (همان: ۴۰).

۴-۳) مرحله دوم: تشریح

طبق نظریه گلدمن، در مرحله تشریح، ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه در دل ساختار اثر ادبی مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد. در این زمینه باید به مسائلی مانند بسترهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی که رمان در آن شکل گرفته، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی قهرمانان رمان، اعتراض به وضع موجود و مسائلی از این دست و میزان انطباق آنها با واقعیت‌های جامعه توجه شود.

۴-۳-۱) بررسی بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی رمان بیروت ۷۵

برای بررسی ساختار مذهبی و سیاسی حکومت لبنان، ابتدا باید ترکیب طایفه‌ای لبنان مورد بررسی قرار گیرد. طایفه‌گرایی نشانگر ساختار جامعه لبنان می‌باشد. ساختار سنتی قدرت سیاسی در لبنان بر اساس توازن طایفه‌ای استوار می‌باشد که مجموعه‌ای از طوایف گوناگون، ساختار سیاسی لبنان را شکل داده‌اند. لبنان دارای تعدد مذاهب و دارای هفده فرقه دینی به رسمیت شناخته شده می‌باشد: یازده فرقه مسیحی (مارونی، ارتدوکس، کاتولیک، ارمنی‌های ارتدوکس، ارمنی‌های کاتولیک، پروتستان‌ها، سریانی‌های ارتدوکس، سریانی‌های کاتولیک، لاتین‌ها، کلدانی‌ها و نستوری‌ها)، پنج فرقه اسلامی (شیعیان، سنیان، دروزیان، علویان و اسماعیلیان) و یک فرقه یهودی، که جزو کم‌اهمیت‌ترین فرقه‌هاست. هسته اصلی بی‌ثباتی لبنان فرقه‌گرایی است که بر این کشور حاکم است. در این نظام، پست‌های دولتی در حکومت، خدمات عمومی، ارتش و قوه قضائیه بر اساس وابستگی‌های طایفه‌ای و مذهبی و نه بر اساس مزیت و شایستگی لازم تقسیم شده‌اند. بنابراین، وفاداری‌های فرقه‌ای (طایفه‌ای) بر وفاداری‌های ملی برتری دارند. بر اساس آخرین آمار رسمی، جمعیت در سال ۱۹۳۲ یعنی در زمان حاکمیت فرانسه بر این کشور، ۵۱ درصد جمعیت کل کشور را مسیحیان تشکیل می‌دادند. طبق آمار مذکور، مارونی‌ها بزرگ‌ترین فرقه منفرد با ۲۹٪ آراء و پس از آن سنی‌ها ۲۲٪ و شیعیان در حدود ۲۰٪ نشان داده شده‌اند. (سنو، ۲۰۰۸: ۱۱۸)

شعله جنگ داخلی ۱۳ آوریل ۱۹۷۵ روزی که بسیاری اعتقاد دارند، به صورت قطعی جنگ داخلی لبنان آغاز شد، روزی بود که گروهی مسلح سعی کردند تا «پیرالجمیل» بنیانگذار و رهبر حزب مسیحی «الکتاب» را هنگام خروج از یک کلیسا در منطقه «عین الرمانه» واقع در جنوب بیروت ترور کنند، اما او از این حادثه جان سالم به در برد و همراهش «ژوزف ابوعاصی» و ۳ تن دیگر کشته شدند. در یکی از نخستین و بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخ جنگ داخلی، روز شنبه ۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۱۵ آذر ۱۳۵۴) شبه نظامیان حزب الکتاب در پی پیدا کردن جسد ۴ تن از اعضای وابسته به آن در نقاط نزدیک بندرگاه اصلی بیروت، با برپایی ایست و بازرسی‌هایی، هر کس که در کارت شناسایی او در مقابل دین، اسلام نوشته شده بود، کشتند و صدها مسلمان لبنانی و فلسطینی در «شنبه سیاه» در خون خود غلتیدند و بسیاری از آنها حتی پیکرشان نیز یافت نشد. بر اثر این حادثه بیروت به دو بخش شرقی (مسیحی) و غربی (اسلامی) تقسیم و شعله جنگ برافروخته‌تر شد. چنین جنایت‌هایی در این سالها کم صورت نگرفت. بر اساس برخی گزارش‌ها، طی ۱۵ سال جنگ

داخلی در لبنان، نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر کشته شدند، در حدود ۲۰۰ هزار نفر زخمی بر جای ماند و دستکم ۱۷ هزار نفر مفقود شده و همچنان از سرنوشت شان خبری نیست (راینیویچ، ۱۳۶۸ش: ۶۶).

۴-۳-۲) بحران اجتماعی

در دهه ۱۹۶۰ میلادی لبنان نسبتاً آرام بود اما این وضعیت در دهه ۱۹۷۰ به کلی تغییر کرد. پس از جنگ جهانی دوم، کشمکش میان فلسطینی‌ها و ملی‌گرایان یهودی به اوج خود رسید. با وقوع جنگ اول اعراب و اسرائیل عمده عرب‌های ساکن فلسطین ناخواسته وادار به مهاجرت کشورهای نظیر اردن، لبنان و مصر شدند. تا دهه ۱۹۷۰ لبنان میزبان بیش از چهار صد هزار پناهنده فلسطینی بود. اما در دهه ۱۹۶۰ مرکز فعالیت مسلحانه فلسطینی‌ها در اردن مستقر بود، اما در جریان سپتامبر سیاه، ملک حسین، شاه اردن با خشونت دستور به اخراج و سرکوب فلسطینی‌ها را داد و در نتیجه عمده این گروه‌های فعال فلسطینی علیه اسرائیل نظیر فتح به لبنان منتقل شدند و اما در لبنان هم اوضاع آنطور که آنها می‌خواستند پیش نرفت. حکومت مستقر در لبنان که مسیحیان مارونی بودند به شدت با فعالیت این سازمان‌ها مخالف بود (سنو، ۲۰۰۸م: ۱۲۰).

اوضاع بحرانی لبنان که از اواسط دهه ۱۹۷۰-۱۹۹۰ به شکل بی‌سابقه‌ای شدت و تداوم یافت، نبود حاکمیت تامه دولت، در تمامی نقاط، نقش لبنان در جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ و درگیری‌های داخلی و نیز نوع نظام سیاسی حاکم بر این کشور، هر یک به گونه‌ای با منافع ملی کشورهای همسایه ارتباط پیدا می‌کند؛ جنگ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی دارای نفوذ در لبنان و همچنین رقابت شدید قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را به صحنه بروز تضادها و تسویه حساب اختلافات بدل ساخت. به طوری که مردم لبنان همگی در فشارهای روحی و روانی بودند که سیاستمداران برای آنها ایجاد کرده بودند، جنگی که مردم لبنان بهایش را دادند، با اختلافات قومی و قبیله، سروری طبقه اشراف و نابودی طبقه متوسطه جامعه، به طوری که فقر در جامعه بیداد می‌کرد (السمان: ۱۹۹۳م: ۶۴-۶۲).

اوضاع سیاسی منطقه تأثیرات زیادی را هم به بخش اقتصادی وارد کرده بود. به گونه‌ای بسیاری از کالاها کمیاب شدند و مردم در مایحتاج خود دچار مشکل شدند. جنگ‌های خانمان سوزی که بیروت و لبنان عروس خاورمیانه را به آتش گشوده بود. وضع مردم هر روز بد و بدتر می‌شد. جنگ‌های طائفه‌ای هم شروع شده بود؛ زیرا فرصت را غنیمت شمرده تا یکدیگر را چپاول کنند. دخالت بسیاری از کشورهای خارجی و در نتیجه بین‌المللی شدن بحران به دنبال حضور فلسطینی‌ها در این کشور پدید آمد که باعث طمع بیشتر آن کشورها به لبنان و دفاع از گروهک‌های مورد نظر خودشان بود. گروهک‌هایی که امنیت جامعه را بر هم زده بودند برای مثال دولت فرانسه با حمایت از جناح مارونی، نیروهای حامی سوریه را در منطقه ضعیف کرد و تلاش‌های بین‌المللی برای برقراری صلحی پایدار را به هم زد.

۵) نتیجه

برای شناخت عمیق‌تر از جامعه و نوع ساختارهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی در هر زمان و مکان، توجه به آثار ادبی آن دوره اهمیت بسیاری دارد. غاده السمان در رمان «بیروت ۷۵»، به طور ویژه به سبک زندگی، آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه بیروت پرداخته است، به گونه‌ای که این رمان به نوعی به عنوان برگردانی از زندگی در لبنان تلقی می‌شود. رمان «بیروت ۷۵» نه تنها بازتابی از ساختارهای ذهنی و آگاهی جمعی گروه یا طبقه اجتماعی‌ای است که آن را خلق کرده، بلکه در عین حال تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تحکیم این ساختارها نیز محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه‌ای دیالکتیکی و متقابل میان اثر ادبی و جامعه وجود دارد؛ به طوری که این اثر نه تنها به انعکاس واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد بلکه بر

شکل‌گیری و تصحیح آگاهی‌های جمعی و ساختارهای فرهنگی نیز تأثیر می‌گذارد. در «بیروت ۷۵»، واقعیت‌های اجتماعی‌ای چون تضاد طبقاتی، آگاهی گروهی و فردی و چالش‌های هویتی در جامعه به وضوح نمایان شده است. این روایت به ما این امکان را می‌دهد تا نه تنها درکی از شرایط اجتماعی آن زمان به دست آوریم، بلکه تأملی بر چگونگی تأثیرگذاری این شرایط بر رفتارها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی انجام دهیم. به طور کلی، رمان «بیروت ۷۵» به مثابه ابزاری کارآمد برای کاوش در واقعیت‌های پیچیده اجتماعی و فرهنگی لبنان عمل می‌کند و به ما کمک می‌کند تا تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه را بهتر درک کنیم. نویسنده در رمان «بیروت ۷۵» با بهره‌گیری از روش جهان‌بینی خاصی که در طول داستان بر آن تأکید داشته، به بطور مؤثری مشکلات اجتماعی مردم جامعه را به تصویر می‌کشد. او با پرداختن به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، توانسته است راه‌حلی برای فرار از معضلات موجود در رمان ارائه دهد. این اثر در نهایت جهانی منسجم و یکپارچه را مجسم می‌کند که در آن، نظام‌های فلسفی و مفهومی شکل گرفته، و آثار هنری بزرگ به عنوان محصول آن نظام‌ها ظهور می‌یابند. به عبارت دیگر، «بیروت ۷۵» نه تنها موظف به منعکس کردن ساختارهای اجتماعی است، بلکه به‌نوعی در دگرگونی و تثبیت این ساختارها نیز ایفای نقش می‌کند. تصویرسازی دقیق از شرایط و چالش‌های اجتماعی در این رمان، بینش عمیق‌تری از تعاملات انسانی و نحوه تأثیرگذاری فرهنگ بر رفتارها و ساختارهای اجتماعی را به ما می‌دهد. تحلیل دقیق‌تر بر اساس متون و ساختارهای اثر، به همراه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص آن، می‌تواند به درک بهتر و عمیق‌تری از رابطه میان این اثر ادبی و ساختارهای اجتماعی نه تنها در لبنان، بلکه در راستای تأمل بر سیاست‌ها و رفتارهای اجتماعی در دیگر جوامع نیز کمک کند. در حقیقت، مطالعه این رمان به ما این امکان را می‌دهد که به کاوش در بطن مسائل اجتماعی پردازیم و از منظر ادبی به چگونگی کنش و واکنش‌های جامعه نسبت به بحران‌ها و چالش‌های آن نگاهی دقیق‌تر داشته باشیم.

منابع و مآخذ

- استونز، رابرت، (۱۳۸۵ ش). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میر دامادی، تهران: مرکز.
- جوانرودی، مصطفی، (۱۳۸۷ ش). «بررسی تطبیقی آثار غاده السمان و فروغ فرخزاد»، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران.
- حاجی زاده، مهین و محدثه ابهن، (۱۳۹۲ ش). «تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر اساس نظریه کنشی گریاس»، نشریه نقد ادب معاصر عربی، شماره ۵، دوره ۳، صص ۷۹-۵۵.
- خلیلی جهانتیغ، مریم و مکيه عثمانی، (۱۳۹۱ ش). «نقد جامعه‌شناختی رمان سال‌های ابری علی اشرف درویشیان»، مجله ادبیات داستانی، سال اول، شماره اول، صص ۱۳۲-۱۱۳.
- رابینویچ، ایتمور، (۱۳۶۸ ش). جنگ برای لبنان، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی، تهران: سفیر.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش). نقد ادبی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.
- زیبا، پیرو، (۱۳۷۷ ش). جامعه‌شناسی رمان از نظرگاه گلدمن، مترجم: محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- سلدون، ر (۱۳۷۷ ش). راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- السمان، غاده، (۱۹۹۳ م). بیروت ۷۵، بیروت: منشورات غاده السمان.
- ستو، عبدالرؤف، (۲۰۰۸ م). حرب لبنان ۱۹۷۵-۱۹۹۰ تفکک الدولة وتصدع المجتمع، بیروت: دارالعربية للعلوم ناشرون.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸ ش). عنصر داستان، تهران: سمت.
- فرزاد، عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش). درباره نقد ادبی، تهران: قطره.

- فضل الله، إبراهيم، (۲۰۰۹م). علم اجتماع الأدب: مناهج و تطبيقات، بيروت: الشركة العالمية للكتاب.
- کامیابی مسک، احمد و فائزه دائمی، (۱۳۹۸ش). «بررسی جامعه شناسانه‌ی ناپیشنامه‌ی چهار صندوق نوشته بهرام بیضایی با تکیه بر آرای لوسین گلدمن». نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۷۸-۶۹.
- گلدمن، لوسین، (۱۳۶۹ش). جامعه شناسی ادبیات دفاع از جامعه شناسی رمان، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.
- ، (۱۳۷۱ش). دفاع از جامعه شناسی رمان، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.
- ، (۱۳۷۷ش). روش ساخت گرایی تکوینی در جامعه شناسی ادبیات، مجموعه مقاله، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- ، (۱۳۸۰ش). جامعه شناسی ادبیات، جایگاه و مسائل روش لوسین گلدمن (جامعه، فرهنگ، ادبیات، مجموعه مقالات) گزیده و ترجمه، محمد جعفر پوینده، تهران: چشمه.
- ، (۱۳۸۲ش). نقد تکوینی، ترجمه محمد تقی غیائی، تهران: بزرگمهر.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۰ش). جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- لوکاج، جورج، (۱۳۸۰ش). نظریه رمان، مترجم حسن مرتضوی، تهران: قصه.
- مدنی، نسرين (۱۳۸۵ش). در کوچه‌های خاکی معصومیت، چاپ اول، تهران: چشمه.

References

- Al-Samman, G. (1993), Beirut 75, Beirut: Ghada al-Samman Publications. [In Arabic]
- Farzad, A. (1999), About Literary Criticism, Tehran: ghatreh. [In Persian]
- Fadl Allah, I. (2009), Sociology of Literature; Curricula and Applications, Beirut: Alsherekat Alalameiah Lelketab. [In Arabic]
- Khalili Jahantigh, Maryam and Makiyeh Othmani, (2012), "A Sociological Critique of the Novel the Cloudy Years by Ali Ashraf Darvishian", Literary Fiction Journal, Vol. 1, No. 1, pp. 113-132. [In Persian]
- Hajizadeh, Mahin and Mohaddeh Abahn, (2013), "A Structural Analysis of the Characters in Ghada al-Samman's Novel Beirut 75 Based on Greimas's Actantial Theory", Journal of Criticism of Contemporary Arabic Literature, No. 5, Vol. 3, pp. 55-79. [In Persian]
- Kamiabi Mesk, Ahmad and Fa'ezeh Daemi, (2019). "A Sociological Study of the Play Chahār Sanduq by Bahram Beyzai with Emphasis on Lucien Goldmann's Views", Journal of Fine Arts, Vol. 24, No. 1, pp. 69-78. [In Persian]
- Giddens, A. (2011), Sociology, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Nay. [In Persian]
- Goldman, L. (1990), Sociology of Literature in Defense of the Sociology of the Novel, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Hosh and Ebtakar. [In Persian]
- , L. (1992), Defense of the Sociology of the Novel, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Hosh and Ebtakar. [In Persian]
- , (1999), the method of formative constructionism in the sociology of literature, collection of essays, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan. [In Persian]
- , (2001), Sociology of literature, the position and problems of Lucien Goldman's method (society, culture, literature, collection of essays), selection and translation, Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Cheshme. [In Persian]
- , (2003), Constructive Criticism, translated by Mohammad Taghi Ghiyasi, Tehran: Bozormehr.
- Javanroudi, M. (2007), Comparative study of the works of Ghada Alsamman and Forough Farrokhzad, PhD thesis, University of Tehran. [In Persian]
- Lukacs, G. (2001), Theory of the Novel, translated by Hasan Mortazavi, Tehran: Qheseh. [In Persian]
- Madani, N. (2006), In the Dirt Alleys of Innocence, first edition, Tehran: Cheshme. [In Persian]
- Rabinovich, Itamore (1989), War for Lebanon, translated by Javad Safaei and Gholamali Rajabi Yazdi, Tehran: Sefir. [In Persian]
- Sanno, A. (2008), The Lebanese War 1975-1990, The Separation of the State and the Fracture of Society, Dar al-Arabiya Publishers
- Seldon, R. (1998), Guide to Contemporary Literary Theory, translated by: Abbas Mokhbar, Tehran: New Design. [In Persian]
- Shamisa, C. (1999). Element of story, Tehran: Samit. [In Persian]
- Stones, Robert (2006), Great Thinkers of Sociology, translated by Mehrdad Mir Damadi, Tehran: markaz. [In Persian]
- Zarin Koob, A. (2008), literary criticism, volume 1, third edition, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Zima, P. (1998). Sociology of the novel from the point of view of Goldman, translator: Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan. [In Persian].